

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

مقدمه‌ای بر صفات انبیاء، تعریف عصمت

امروز وارد بحث اوصاف انبیای الهی می‌شویم؛ صفات پیامبران. در بحث صفات انبیاء، ابتدا یک راهنمایی کلی می‌کنم؛ که مبتنی بر یک قاعده‌ی عقلی است و بعد وارد یک صفت خاص می‌شویم. همه‌ی انبیاء الهی صفاتی را که در پذیرششان از طرف مردم و هدایت شدن مردم، تأثیر مثبت داشته است، واجد بوده‌اند؛ و هر صفت را که تأثیر منفی داشته و باعث زده شدن و عدم رغبت مردم در روی آوردن به آنها می‌شده است، فاقد بوده‌اند. این یک شاخص کلی است، چه صفات ظاهری و چه صفات باطنی.

دلیل عقلیش هم این است: فرض کنید شما رئیس یک اداره یا مدیر یک مؤسسه‌اید و می‌خواهید برای یکی از جایگاه‌های شغلی در داخل تشکیلاتتان، کارمند استخدام کنید. آگهی استخدام هم داده‌اید و عده‌ی زیادی آمده‌اند. اگر فرد منطقی‌یی باشید، از بین اینها کدام را انتخاب می‌کنید؟ کسی را انتخاب می‌کنید که تحصیلات، تجربیات شغلی و توانایی‌های جسمی و روانیش برای ایفای وظایف این شغل از دیگران بیشتر باشد. در شرایطی که فردی با تحصیلات بالاتر، تجربیات بیشتر و توانمندی‌های بالاتر وجود دارد، هیچ‌وقت شما به‌عنوان فرد عاقل، سراغ کسی که کم‌سوادتر، کم‌تجربه‌تر و کم‌توان‌تر است، نمی‌روید؛ این یک قاعده‌ی عقلی است.

خدای متعال هم که می‌خواهد برای بشر پیامبر بفرستد، همین‌طور است؛ همه‌ی بشر در اختیار اوست و به هر یک از آنها می‌تواند مأموریت نبوت را بدهد؛ ولی خداوند حکیم است و حکمت الهی اقتضا می‌کند که این مأموریت را بر دوش کسی بگذارد که هدفی که از فرستادن پیغمبر دارد، به‌وسیله‌ی او بهتر تأمین شود؛ لذا سراغ کسی می‌آید و به کسی این مسؤولیت را می‌سپارد که شایستگی‌ها و

توانمندی‌هایش، زمینه‌ی تأثیر دعوت او را بهتر فراهم می‌کند؛ حال این شایستگی‌ها چه ظاهری باشد و چه باطنی؛ مثلاً هیچ پیغمبری گریه‌المنظر و زشت نبوده است؛ زیرا انسان ممکن است از نگاه کردن و نشستن در کنار انسان گریه‌المنظر خوشش نیاید و در پی او نرود؛ هیچ پیامبری تندخو و بداخلاق نبوده است؛ زیرا انسان‌ها از نشستن در کنار این‌گونه افراد می‌گریزند. از آن طرف پیامبران از بین انسان‌های خوش‌اخلاق و خوش‌خو انتخاب شده‌اند؛ چون انسان رغبت می‌کند نزد کسی که خوش‌خو است، بنشیند و ببیند او چه می‌گوید؛ پیامبران خوش‌سینما، خوش‌لهجه و خوش‌لحن بودند؛ صفات ظاهری و باطنی و هر صفتی را در نظر بگیرید، با همین شاخص می‌توان فهمید در انبیاء بوده یا نبوده است؛ زیرا خدای حکیم قطعاً برای تحقق هدفش که هدایت بشر به سمت قلّه‌های کمال است، از شخصی به‌عنوان پیامبر استفاده خواهد کرد؛ که این هدف به‌وسیله‌ی او بهتر تحقق پیدا کند؛ یعنی شخصی که مردم به حرف او بهتر دل می‌دهند و به شنیدن سخنانش رغبت می‌کنند؛ این راهنمای کلی در بحث صفات انبیاء الهی است.

صفتی که امروز به‌صورت مشروح می‌خواهیم راجع به آن بحث کنیم صفتی است که نقش کلیدی در تحقق هدف بعثت دارد و آن صفت عصمت است. در بحث عصمت، به چند نکته خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم عصمت چیست.

۲. آیا عصمت در بشری که دارای قوای نفسانی یعنی شهوات و غضب است و دارای اختیار است، قابل‌تصور است؟ امکان‌پذیر است؟

۳. اگر امکان‌پذیر است چه ضرورتی دارد که پیامبران معصوم باشند؟ دلایل ضرورت عصمت انبیاء چیست؟

۴. اگر پیامبران معصوم هستند، حوزه‌ها و دامنه‌ی عصمت آنها کجا و چقدر است؟ در چه زمینه‌هایی عصمت دارند و در چه بخشی از امورشان معصومند؟

۵. بررسی برخی آیات قرآن که ظاهر آنها با عصمت سازگار به نظر نرسیده است؛ ظاهرشان نشان می‌دهد که برخی از انبیاء یا در بخشی از عمرشان دچار کجروی‌ها و انحرافات اعتقادی بوده‌اند؛ یا مرتکب معاصی و گناہانی شده‌اند.

ان شاء الله می‌خواهیم راجع به این پنج موضوع در بحث عصمت صحبت کنیم. از همان موضوع نخست، یعنی مفهوم عصمت شروع می‌کنیم.

مفهوم عصمت

عصمت یعنی مصونیت تام و مطلق در برابر معاصی. معصیت چه است؟ هر امری که مغایر رعایت حرمت مولا باشد، به آن اصطلاحاً معصیت می‌گویند؛ یعنی اگر کسی مولا، سرور و آقایی دارد، اقتضا می‌کند که حرمت او را مراعات کند؛ وقتی او گفت فلان کار را بکن، او انجام دهد؛ اگر گفت فلان کار را نکن، آن کار را ترک کند و از آن پرهیز کند. اگر مولایش به انجام کاری امر کرد و او انجام نداد، حرمت مولا را شکسته است و اگر مولای او از انجام کاری نهی کرد و مرتکب شد، با تخلفی که از امر او کرده است، حرمت مولای خود را شکسته است. به این وضعیت، معصیت می‌گویند.

مولای همه‌ی عالمیان، خدای متعال است «نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»^۱ خدا، مولای همه‌ی عالمیان است؛ رعایت حرمت الهی اقتضا می‌کند که وقتی خدا امر به چیزی کرد، انسان انجام دهد و وقتی از چیزی نهی کرد، پرهیز کند. اگر خدا به کاری امر کرد و انسان انجام نداد؛ خدا از انجام کاری نهی کرد و او مرتکب شد؛ به آن معصیت گفته می‌شود.

به مصونیت تام و مطلق از معاصی، عصمت می‌گویند؛ یعنی در تمام عمر، آلوده‌ی به معصیت نشدن و از ارتکاب به معاصی، مصونیت تام داشتن. مفهوم عصمت، مفهوم روشنی است؛ با مفهوم عصمت آشنا شدید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

^۱ کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۷۹.